



راه تجربه

نوجوانان محله حجاب با تعمیر کولر همسایه‌ها، در مسیر خدمت جهادی گام برمی‌دارند

سایبانان کوچک در روزهای گرم محله



فهیمة شهری یکی جعبه ابزار در دست دارد. یکی چسب برق و گریس. پله‌ها را دوتا یکی بالا می‌روند تا خود را به پشت بام برسانند. سن و سال چندانی ندارند اما اشتیاق وافرشان برای کمک به همسایه‌ها موجب شده است که خیلی جدی پای کار باشند. نوجوانان مسجد حمزه سیدالشهدا^(ع) در محله حجاب این روزها آماده باش هستند تا هر جا لازم بود برای تعمیر و راه‌اندازی کولر بروند. از ابتدای تابستان آن‌ها به صورت جهادی پای کار هستند و همراه استادکارشان، به خانه همسایه‌هایی مراجعه می‌کنند که نیاز به راه‌اندازی کولر دارند. فعالیت در این گروه جهادی نقطه شروعی شده است تا تعدادی از اعضا، در قالب نیروی جهادی برای خدمت به شهرهای تهران و جنوب برون‌رو و به مردم جنگ‌زده آنجا کمک کنند.

● بسیج نوجوانان برای کمک‌رسانی

آغاز فصل گرما، جرقه‌ای شد برای یک خدمت‌رسانی. حجت‌الاسلام والمسلمین حامد قاضی‌نژاد، امام جماعت مسجد حمزه سیدالشهدا^(ع) که دغدغه کمک به همسایه‌ها و هم محله‌ای‌ها را دارد، تصمیم گرفت نوجوانان را بسیج کند برای راه‌اندازی کولر هم محله‌ای‌هایی که خودشان توان انجام این کار را ندارند.

در مسجد موضوع را مطرح کرد و تعدادی اعلام آمادگی کردند. استادکارها هم شدند بزرگ‌ترهایی که در امور برق سر رشته دارند و با تجربه‌اند. او تعریف می‌کند: بین همسایه‌ها و نمازگزاران، بازنشسته شرکت برق و آشنا به این امور را داشتیم. آن‌ها را به عنوان استادکار معرفی و نوجوانان را همراهشان کردیم تا در امور راه‌اندازی کولر کمک‌شان باشند.

او که دغدغه مهارت‌آموزی بچه‌های محل را دارد، می‌گوید: بچه‌های امروزی از زیر کار درو هستند و اگر هایشان کنیم، مدام پای گوشی می‌نشینند؛ این ما هستیم که باید بستر فعالیت‌های مختلف را برایشان فراهم کنیم.

به نظر او مشارکت دادن نوجوانان در راه‌اندازی کولر، موجب می‌شود ضمن کمک کردن به هم نوع، خودشان تجربه کسب کنند و مهارتی یاد بگیرند که به دردشان می‌خورد.

● از کوچه‌های مشهد تا مناطق جنگ‌زده

به گفته او این اقدام، زمینه ورود تعدادی از جوانان و هم محله‌ای‌ها به گروه‌های جهادی بزرگ‌تر فراهم کرده است و موجب شده برای کمک به مناطق جنگ‌زده بروند. حسین غفوری یکی از این افراد است. او امسال کنکور دارد، با این حال به تازگی از مناطق جنگ‌زده جنوب برگشته. او که حدود یک سال است وارد گروه‌های جهادی شده، تعریف می‌کند: ابتدا برای کمک کردن در موبک مسجد می‌رفتم و از آنجا با گروه‌های جهادی آشنا شدم.

حسین طی سال‌های گذشته در ایام تابستان و تعطیلات عید، کارهای تأسیسات ساختمان را انجام می‌داده. هدفش این بوده که کاری یاد بگیرد تا به دردش بخورد. کار راه‌اندازی کولر را پنج شش سال است که بلد است. در این مدت هم در این زمینه به اهالی کمک کرده است.

او می‌گوید: بعد از آتش بس، متوجه شدم گروهی جهادی می‌خواهند به جنوب بروند. با اینکه کنکور داشتم، دلم آرام نمی‌گرفت و عشق کمک به مردم جنگ‌زده کشورم باعث شد ساکم را ببندم و راهی شوم.

حسین آنجا علاوه بر راه‌اندازی کولر، کارهای تأسیسات ساختمانی را که بلد بود، انجام داده است و می‌گوید: اوایل که دنبال یادگیری کارهای تأسیسات ساختمانی رفتم، فکر می‌کردم به درد خودم و آینده‌ام می‌خورد اما حالا خیلی خوشحالم که می‌بینم توانسته‌ام به هم میهنانم و کشورم هم خدمت کنم.

● برکت یک دعا برای کل زندگی‌ات

حسین به خونگرمی مردم جنوب اشاره می‌کند و می‌گوید: شنیده بودم خونگرم هستند اما وقتی خودم از نزدیک کنارشان بودم، بیشتر درک کردم. با اینکه شرایط سختی داشتند از چیزی دریغ نمی‌کردند و همه جوهره‌های ما را داشتند.

او ادامه می‌دهد: حس خوبی را که از بودن در کنار مردم جنوب داشتم، نمی‌توانم وصف کنم. فقط می‌توانم بگویم این قدر خوب بود که توانستم یک هفته دوری از خانواده و گرمای هوای آنجا را تاب بیاورم. الان هم از پدرم خواسته‌ام او ضاع که آرام شد، یک سفر به آنجا برویم. به نظر حسین از لذت کمک به دیگران همین بس که آخرش ببینی طرف از ته دل به تو بگوید: «الهی خیر ببینی». به نظر او همین یک جمله برای کل زندگی آدم کفایت می‌کند.

محمد صالح قربانزاده، امیر محمد رضانی و مصطفی زارعی، سه تا از نوجوانان متوسطه دوم هستند که در کار تعمیر کولر کمک می‌کنند. محمد صالح می‌گوید: همین چند روز پیش، به خانه یکی از همسایه‌ها رفتم و کولرش را راه‌اندازی کردیم هر بار می‌بیند مان، تشکر می‌کند.

امیر محمد که کلاس هشتمی است، می‌گوید: من هنوز کار را به صورت حرفه‌ای بلد نیستم اما آنچه از دستم برمی‌آید، دوست دارم انجام دهم و کمکی به دیگران کنم.

به نظر خودش با این کار هم ثواب می‌برد هم خودش کاریاد می‌گیرد و تجربه کسب می‌کند.



● درسی برای دنیا و آخرت

مهدی فرخ‌نیا بازنشسته شرکت برق منطقه خراسان و از همسایه‌های نزدیک مسجد است. او می‌گوید: حاج آقا قاضی‌نژاد خیلی دنبال این هستند که برای امور مختلف، اول از همه از ظرفیت مردم محل استفاده شود و منافع هم هر چه هست، اول برای مردم محل باشد. از وقتی بحث ساخت و ساز مسجد مطرح شد، حاج آقا گفتند هر کس هر کاری می‌تواند انجام دهد بگوید: من هم که به امور برق آشنایی داشتم اعلام آمادگی کردم.

فرخ‌نیا هنگام راه‌اندازی کولرهای اهالی، به عنوان استادکار حضور دارد و نکات لازم را به نوجوانان یاد می‌دهد.

او می‌گوید: من خیلی دوست دارم نوجوانان بیشتری همراهم بیایند و کار را یاد بگیرند. نسل ما بعد از درس، راهی سربازی و کار می‌شود اما نسل فعلی این طور نیست. به نظر فرخ‌نیا، بچه‌ها در مدارس و به خصوص رشته‌های نظری، حرفه خاصی یاد نمی‌گیرند. در حالی که این طور چیزها حتی برای امور روزمره زندگی خودشان هم کاربرد دارد و باید بلد باشند.

● کمک‌رسانی با تکیه بر استعداد

او یاد دو نفر دیگر از بچه‌های محل می‌کند که دانشجوی دانشگاه منتظری هستند و می‌گوید: آن‌ها هم در زمینه سرویس کولر همکاری می‌کنند. الان که دانشجوی شده‌اند کارهای سیم‌پیچی و تعمیر موتور را هم یاد گرفته‌اند.

به نظر او وقتی بچه‌ها از سمت مسجد، به چنین کارهایی تشویق می‌شوند، علاوه بر حس نوع دوستی، استعداد هایشان کشف می‌شود.

بی‌بی سکینه یکی از هم محله‌ای‌هایی است که کولرش را درست کرده‌اند. همسرش سال‌هاست به رحمت خدا رفته. یک پسر دارد که در نیشابور زندگی می‌کند. او می‌گوید: خدا خیرشان دهد؛ اگر این‌ها نمی‌آمدند، الان کولرم قابل استفاده نبود. خدا عمرشان دهد. کار بزرگی کردند. هر بار در این گرما کولر را روشن می‌کنم، برای عاقبت به خیری‌شان دعا می‌کنم.

سکینه خانم می‌گوید: یک زمانی ما جوان بودیم و هر کاری می‌توانستیم، برای دیگران انجام می‌دادیم. حالا خدا این‌ها را سر راه ما گذاشته است. با هر دست بدی، با همان پس می‌گیری!